



آینده سیاسی عراق و سناریوی سیاه نظم نوین جهانی

حمید تقوائی

پرچم آمریکا به عراق یورش بردند و یا از آن پشتیبانی کردند موقت و ناپایدار بود و بزودی معلوم شد که بیش از آنکه تحت تاثیر قدرتی آمریکای پس از شوری باشد ادامه مناسبات و موازنه سنتی دوران جنگ سرد بوده است.

با فروزایدن هیاهوی پیروزی بازار آزاد و صلح و صفائی که میگفتند با خود خواهد آورد، شکل گرفتن جنگهای منطقه ای در بالکان و جمهوری های سابق شوروی، بجلو رانده شدن ناسیونالیسم قومی و عشیره ای و مذهب و نژادپرستی در صحنه سیاست جهانی، تشکیل اروپای واحد، سر بر آوردن چین و بمیدان آمدن مجدد ناسیونالیسم روس، عملا و بطور دوقلکو آرایش سیاسی جهانی در دنیا بوجود آمد که با نقش و موقعیت آمریکا بعنوان یگانه ابر قدرت جهان در تناقص بود. ۱۱ سپتامبر این موقعیت را بیشتر تضعیف کرد و در عین حال به هیات حاکمه آمریکا امکان داد که از یک موضع حق بجانب و تعرضی طرح نافرجام نظم نوین جهانی را از سر بگیرد. امپراتوری شر و دکترین "حمله پیشگیرانه" که تنها اسم دیگری برای "هجوم خودسرانه" است علم شد و حمله دوم به عراق تدارک دیده شد.

عراق انتخاب شد باین دلیل که از لحاظ دیپلماتیک و از نظر پروپاگاندا جنگی و مهندسی افکار عمومی مناسب ترین کاندید بود. به این خاطر که محمل دیپلماتیک - تبلیغی مناسبی بود برای نمایش

به یک مساله کلیدی و تعیین کننده تبدیل شده است. ما باید با یک پاسخ رادیکال، انسانی و در عین حال کاملا عملی و مشخص بمیدان بیابیم و کارگران و مردم زحمتکش عراق و سراسر جهان را حول آن بسیج کنیم. این پاسخ کدامست؟ قبل از آن و برای روشن کردن آن لازمست ابتدا راه حل های کمپ ارتجاع را بررسی کنیم.

عراق: عرصه حل و فصل مسائل جهان بعد از جنگ سرد

آنچه آمریکا برای آینده عراق در نظر دارد طبعاً محصول و ادامه سیاستی است که بخاطر آن جنگ را برپا کرد. ما از همان ابتدا اعلام کردیم که جنگ آمریکا در عراق برای تثبیت موقعیت این کشور بعنوان یگانه ابرقدرت جهان پس از شوری و معمار و ژاندارم "نظم نوین جهانی" است. اولین بار منصور حکمت در نوشته "طلوع خوزین نظم نوین جهانی" در قبال جنگ اول خلیج در ۱۹۹۱ بروشنی نشان داد که یورش نظامی آمریکا و متحینش به عراق ربطی به رژیم صدام و هجوم نظامیش به کویت ندارد، بلکه جنگی است برای باز تعریف جهان پس از جنگ سرد و تثبیت موقعیت برتر آمریکا در دنیایی که حذف بلوک شرق، علت و فلسفه وجودی بلوک غرب و در راس آن آمریکا را نیز به زیر سوال برده است.

جنگ اول خلیج با وجود پیروزی آمریکا و موتافینش مساله را آنطور که استراتژیستهای آمریکایی مد نظر داشتند حل و فصل نکرد. اتحاد وسیع کشورهای که بزیر

با نزدیک شدن به پایان جنگ و برکناری صدام و رژیم بعث در عراق مساله آینده عراق و نوع حکومت آتی در آن کشور به مساله محوری تبدیل میشود. هم در برابر افکار عمومی جهانیان و صفوف جنبش ضد جنگ و هم در میان دولتهای غربی و بر متن کشمکش که میان آنان از قبل از جنگ آغاز شده است این سوال مطرح میشود که نظام آتی عراق باید چه نوع دولتهای فاتح جنگ و مخالف با جنگ در بلوک بهم ریخته غرب، ایران و ترکیه و دولتهای عربی، جنبش و احزاب ناسیونالیسم عرب، ناسیونالیسم کرد و اسلام سیاسی، و در یک کلام تمام نیروهای کمپ ارتجاع جهانی به میدان میآیند تا با پاسخ به مساله عراق بعد از صدام هر یک سهم هر چه بیشتری در نظم نوین جهانی برای خود دست و پا کنند.

در برابر این کمپ ارتجاعی اردوی چپ قرار دارد. اردوی کارگران و مردم زحمتکش در عراق و تمام انسانهای شریف سراسر جهان که با جنبش چند دهه ملیونی ضد جنگ حضور قدرتمند خود را در عرصه سیاست اعلام کردند.

این نیرو و پایگاه کمونیسم کارگری است و نقش حزب ما و حزب کمونیست کارگری عراق در سازماندهی و رهبری این نیرو و بمیدان آوردن آن برای مقابله با کل کمپ نظم نوین جهانی و نظام ارتجاعی که برای عراق تدارک دیده است، تعیین کننده است. به این معنا برای جنبش ما نیز مساله عراق و حکومت آتی در آن کشور

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران درباره سقوط بغداد توسط نیروهای نظامی آمریکا

تحمیل یک حکومت
مرتجع دیگر بر مردم
عراق محکوم است

پس از سه هفته بمباران سنگین و بی وقته شهرهای عراق، پس از سه هفته استفاده از مهیت ترین سلاح های کشتار جمعی توسط آمریکا و انگلیس و بخون کشیدن هزاران شهروند بی دفاع عراق، سرانجام بغداد و اکثر شهرهای مهم این کشور به تصرف ارتش آمریکا درآمد و رژیم صدام عملا سقوط کرد. پیروزی نظامی ارتش آمریکا در جنگ علیه عراق یک پله از بنای نظم نوین جهانی و تحمیل قدرتی نظامی آمریکا بر مردم جهان است. بر خلاف تبلیغات ریاکارانه رسانه های نوکر، نه سلاح کشتار جمعی و نه آزاد کردن مردم عراق هدف این جنگ نیست. هدف این جنگ تبدیل زور به نرم روابط بین المللی و تحمیل قدرتی آمریکا است.

تا آنجا که به جامعه عراق برمیگردد پیروزی آمریکا متضمن هیچ نوع آزادی و رفاه و عدالت برای مردم عراق نیست. جامعه عراق امروز در ادامه ۱۲ سال محاصره اقتصادی و به گرو گرفتن غذا و داروی یک جامعه ۲۰ میلیونی و کشتار و مجروح کردن تعداد بیشماری از مردم بی دفاع این کشور در جریان یک جنگ جنایتکارانه، در معرض ناامنی، جنگ داخلی، درگیری های قومی و مذهبی و انواع کشمکش های ارتجاعی و عقب مانده قرار گرفته است. این سناریو فی الحال شروع شده و حاکمیت آمریکا پر عراق خود عاملی در جهت گسترش آن خواهد بود.

صدام حسین و رژیم بعث مسئول سه و نیم دهه خفقان و بی حقوقی و جنایت سازمان یافته و گسترده علیه مردم عراق بوده است و مردم این کشور برای رهایی از شر این رژیم از هیچ فداکاری و مبارزه ای دریغ نکرده اند. اما پیروزی آمریکا بر رژیم صدام، رژیمی که خود دولت آمریکا و سایر دول اروپائی در حفظ و بقای آن نقش داشته اند، راهی به جلو برای رسیدن به آزادی و خوشبختی مردم عراق نیست. حکومتی که قرار است توسط ژنرالهای ارتش فاتح و با به خدمت گرفتن تعدادی رئیس قبیله و ملای مذهبی زمام امور را بدست بگیرد ربطی به خواستها و آمل و



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۵۴

۲۲ فروردین ۱۳۸۲
۱۱ آوریل ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود
www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

۲۴ فروردین تلویزیون انترناسیونال شروع به کار میکند

تلویزیون انترناسیونال از روز یکشنبه ۲۴ فروردین (۱۳ آوریل) شروع به کار خواهد کرد.

برنامه های این تلویزیون روزهای یکشنبه ساعت ۵ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران به مدت یکساعت از شبکه تلویزیونی کانال یک پخش خواهد شد. همین برنامه روزهای چهارشنبه ساعت ۱۱ و نیم شب به وقت تهران تکرار خواهد شد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



آینده سیاسی عراق

قدرت نظامی و تحکم و خودسری سیاسی ای که شایسته یک ژاندارم و ابر قدرت بلامعارض جهانی است. عراق و رژیم صدام، سلاحهای کشتار جمعی و دیکتاتوری و نادیده گرفتن قطعنامه های سازمان ملل و غیره تنها اجزا پوششی را میساختند که قرار بود سیاست نوین مهاجمین به عراق را توجیه کند. اما طنز تلخ قضیه آنجاست که این سیاست نوین دقیقا از همان اجزائی تشکیل شده بود که مدعی مقابله با آن بود: مصوبات سازمان ملل زیر پا گذاشته شد، مهیب ترین سلاحهای کشتار جمعی بکار گرفته شد، و زندگی بیست میلیون انسان بیگناه دستخوش بیسابقه ترین نمایش ترور و وحشت قرار گرفت تا رژیم صدام، ظاهرا به خاطر همین نوع جرمها، بر کنار شود. دنیا این شوخی موهوم را نپذیرفت. ده ها میلیون انسان در سراسر جهان به این جنگ نه گفتند و یک جنبش انسانی و رادیکال بیسابقه در مقابل قدرتی بیسابقه آمریکا شکل گرفت. جنگ آمریکا در میان مردم جهان مقبولیتی پیدا نکرد اما در مورد نتیجه سیاسی این جنگ هنوز مساله باز است: آیا نتیجه سیاسی این جنگ، دنیا را به درستی سیاست آمریکا متقاعد نخواهد کرد؟

تاریخ به روایت فاتحین

میگویند تاریخ را فاتحین مینویسند، اما فاتحین جنگ عراق میخواهند تاریخ را بسازند: آینده سیاسی عراق را قرار است آمریکا رقم بزند. و این آینده باید طوری رقم بخورد که قدر قدرتی و موقعیت برتر آمریکا نه تنها در عراق و خاورمیانه بلکه در عرصه سیاست جهانی بر همه آشکار و محرز شود. نفس جنگ خود جزئی از این سیاست قدرتمندی جهانی بود اما این بهیچوجه کافی نبود. این را نیمی از دولتهای اروپایی و کشورهای صنعتی دنیا نپذیرفتند و افکار عمومی جهان نیز زیر بار آن نرفت. آنچه جنگ آمریکائی از انجامش ناتوان ماند باید صلح آمریکائی در عراق به آخر برساند.

آمریکا بالاخره صورت مساله جنگ را تغییر رژیم عراق اعلام کرد و تا آنجا که به این هدف اعلام شده جنگ برمیگردد پیروز شد. اما این هجوم نظامی به یک کشور برای تغییر رژیم آن، با همه خودسری و مطلق العنانی امپراتورمنشانه ای که در آن هست، هنوز برای قدرتی که میخواهد یگانه امپراتور جهان باشد کافی نیست. نه تنها تغییر رژیم بلکه خود رژیم آتی عراق نیز باید مهر این قدر قدرتی را بر خود داشته باشد.

در طرح دولت موقتی که آمریکا هم اکنون برای عراق اعلام کرده است، از رئیس کشور و تا اعضای دولت و حتی شهردار بغداد تماما بوسیله دولت آمریکا برگزیده و منصوب شده اند. بهانه مردم پسند اینبار اینست که این یک دولت گذار و موقت است و بعد از برقراری نظم و آرامش که خودشان میگویند شاید بیش از دوسال طول بکشد قدرت را به مردم عراق واگذار خواهد کرد. اما سیاسی

که نکوست از بهارش پیداست. وضعیت سیاسی که یک دولت شبه نظامی دست ساز آمریکا و مرکب از دست راستی ترین و مرتجع ترین شخصیتهای آمریکائی و عرب رسوب کرده در پنتاگون و سیا در عراق فراهم خواهد کرد به هر چیزی میتواند منجر شود جز به یک حکومت نماینده و منبث از رای و خواست مردم عراق. همانطور که دیکتاتوری صدام و سلاحهای کشتار جمعی بهانه جنگ بود، تعیین دولت گذار برای توفیق قدرت به مردم نیز بهانه ای برای "صلح" یعنی برقراری نظم و آرامش نوع آمریکائی در عراق است. نه خواست مردم عراق و نه رای و نظر آنان در تعیین رژیم این کشور کمترین جایگاهی در سیاست خارجی آمریکا ندارد. این را فقط برای آرام کردن مردم عراق و افکار عمومی جهانی میگویند. این را میگویند تا جهان فراموش کند که این فاتحین "خوش نیت" خود مدتها در حفظ و تقویت رژیم صدام نقش داشته اند، شنیع ترین دیکتاتوریهای تاریخ معاصر جهان را در آمریکای لاتین و آسیا و آفریقا بر سر کار آورده اند و مورد حمایت قرار سرخست دیکتاتوریهایی فوق ارتجاعی در کویت و عربستان سعودی در همسایگی عراق هستند. دولت دست ساز آمریکا در عراق، موقت و غیر موقتش، همانقدر نماینده مردم عراق خواهد بود که رژیم صدام چنین بود.

سناریوی سیاه: جنگ و صلح در اردوگاه ارتجاع جهانی

از کمدی مجاهدتهای جنگی و سیاسی و دیپلماتیک امپراتوری خیر آمریکا برای روی کار آوردن یک حکومت مردمی در عراق که بگذریم، سناریوی واقعی ای که آمریکا برای آینده عراق در نظر گرفته است نیز امکان تحقق چندانی ندارد. حمله نظامی به عراق با هدف روی کار آوردن رژیمی که قدر قدرتی آمریکا را در منطقه نمایندگی کند، و به این اعتبار موزائیکی باشد از نظم نوین جهانی مطلوب آمریکا، صورت گرفت. اما دولت آمریکا تنها بازیگر این سناریو نیست، دیگر کشورها و نیروهای متعلق به کمپ ارتجاع جهانی نیز در پی کسب سهم و قدرت هر چه بیشتری در این دنیای نوین هستند.

از هم اکنون اروپای واحد و کشورهای دیگر با جنگ مخالف بودند برای شرکت در بازسازی عراق صف کشیده اند، با تعیین دولت بطور یکجانبه از سوی آمریکا مخالفت میکنند و هر یک بدنبال جای پای سیاسی و اقتصادی در عراق پس از صدام حسین هستند. فرانسه اعلام میکند که رهبری جهان جمعی است و باید سازمان ملل کلیه امور سیاسی و اداری و انسانی را در عراق پس از جنگ بعهده بگیرد و تونی بلر از یورش میخواهد که به انگلیس و بقیه اروپا جای بازی بیشتری در عراق "آزاد شده" بدهد. اما اینها هنوز شاید مسائل جزئی و قابل حلی باشند. مشکل اساسی تر سر بلند کردن و بمیدان آمدن ارتجاع ضد آمریکائی در خود عراق و خاورمیانه است.

ناسیونالیسم عرب که هیچگاه در جهان سرمایه داری غرب به بازی گرفته

نشده و بخصوص با اضمحلال بلوک شرق و افسار گسیختن اسرائیل علیه فلسطینیان بیش از پیش خود را در دنیای نوین سرمایه داری بازار آزاد تنها و مغفون یافته است، هجوم آمریکا به عراق را ضربه دیگری به موقعیت خود میبیند و صدای اعتراض خود را بلند میکند. از دید ناسیونالیسم عرب، حتی در کشورهای سنتا متحد آمریکا نظیر مصر و اردن و عربستان سعودی، نه دیکتاتوری صدام و سقوط رژیم او مساله اصلی است و نه نظم نوین جهانی آمریکا. ناسیونالیسم عرب مساله را در قالب اشغال و تصرف یک کشور عربی بوسیله آمریکا میبیند و در همین چارچوب نیز به مقابله آن برمیخیزد. رشد ضد آمریکائی گری در کشورهای عربی و شکل گیری مقاومت سیاسی و نظامی از جانب بقایای بعث و شاخه های میلیتانت تر ناسیونالیسم عرب از نتایج تبعی جنگ آمریکا در عراق خواهد بود. آمریکا با پرچم آزادسازی عراق از سلطه رژیم صدام وارد عراق شد و ناسیونالیسم عرب با پرچم آزادسازی عراق از سلطه آمریکا وارد صحنه میشود تا بهرماره صدام بیچاره از معادلات سیاسی در منطقه جهان حذف نشود. جنگ آمریکا با صدام خاتمه یافته اما جنگ ناسیونالیسم عرب با آمریکا تازه آغاز شده است. این جنگ نیز صحنه وقوعش عراق است اما هدفش جایز کردن و بحساب آمدن بورژوازی عرب در نظم در حال شکل گیری جهان است.

نیروی ارتجاعی دیگری که آمریکا با هجوم به عراق در برابر خود بسیج میکند اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی اپوزیسیون صدام و عربستان سعودی و مصر و اردن، مستقیما با آمریکا و "توطئه صهیونیستی" اشغال سرزمین مسلمانان خود را روبرو میبیند و در همه جا سر بلند میکند. حماس و حزب الله لبنان و شیعیان مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران از جمله نیروهای حاضر به یراق در جبهه جنگ با آمریکا هستند که عملیات انتحاری و چاقو و قمه کشیشان را از هم اکنون آغاز کرده اند.

و بالاخره نیروی ارتجاعی دیگر ناسیونالیسم کرد است که با قرار گرفتن در کنار نیروهای آمریکا تماما در برابر ناسیونالیسم عرب ایستاده است و شکاف فی الحال موجود بین عرب و کرد در منطقه را بمراتب عمیق تر و حد تار کرده است.

بر این معجون ارتجاعی دولتهای ترکیه و سوریه و ایران که هر یک میخواهند در عراق بعد از صدام سهم و نقشی داشته باشند و با نیروهای بومی تحت نفوذشان در خاک عراق و با ارتششان در پشت مرزها مترسند تا از این نمذ کلاهی ببرند را نیز باید افزود. اینها اجزاء سناریوی سیاهی هستند که در اثر جنگ ممکن است در عراق بوقوع بپیوندند. اگر چه و پرچم آزادی و برابری بمیدان نیاید این محتملترین حالت است.

چپ در مقابل سناریوی سیاه

معنای واقعی و عملی نظم نوین جهانی آمریکا چیزی جز همین سناریوی سیاه نیست. عراق اولین جایی نیست که خطر



سقوط بغداد ۰۰۰

آرزوی مردم محروم و در هم کوبیده شده عراق ندارد. نه تنها هیچکدام از خواستههای عادلانه و آزادیخواهانه مردم عراق در این حکومت نمایندگی نمیشود بلکه خطر از هم پاشیده شدن شیرازه جامعه، مردم را تهدید میکند. در چنین شرایطی مناسب ترین راه حل فوری از نظر حزب کمونیست کارگری ایران، خروج نیروهای نظامی آمریکا و انگلیس و استقرار نیروهای سازمان ملل برای یک دوره موقت و برسمیت شناختن حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی مردم است تا به آنها امکان دهد در یک شرایط آزاد و امن حکومت مطلوب خود را تعیین کنند. لازمه تحقق این امر از یکطرف مبارزه آزادیخواهانه مردم عراق و از طرف دیگر تداوم مبارزه مردم آزادیخواه در سراسر جهان برای تحمیل این مساله به دولت آمریکا و سازمان ملل است.

وقوع در جنگ بین مذاهب و ملیتها و اقوام و عشایر و دولتهای طرفدار این یا آن فرقه و از هم پاشیدن شیرازه جامعه تهدیدش میکند. این دیگر یک پدیده شناخته شده در دنیای بعد از جنگ سرد است. استراتژی نظم نوین جهانی راه حلی برای این وضعیت نیست، موجد و زمینه وجودی آنست. تروریسم، اسلام سیاسی، ناسیونالیسم و قومپرستی و عشیره گرایی اجزاء مختلف این نظم و صدام و بوش و بلر و اسامه بن لادن و جلال طالبانی و خامنه ای و کزازی و احمد چلبی شخصیتهای سیاسی آن هستند. در این دنیای سیاه، انسانیت و آزادی و عدالت و برابری نمایندگی نمیشود. اینها آرمان و سیاست نیروهای سوسیالیست و چپ است که کل صورت مساله نظم نوین جهانی با اعلام مرگ و از صحنه تاریخ خارج شدن آنها بمیان کشیده شد.

در مقطع جنگ اول خلیج زمینه عروج چپ هنوز وجود نداشت. اما امروز بشریتی که از بهت و شوک ناشی از فروپاشی دیوار برلین و هیاهوی پیروزی سرمایه داری بازار آزاد بیرون آمده است بدنبال پرچم و نماینده ای میگردد که خواستههای انسانی و آزادیخواهانه او را نمایندگی کند. امروز عراق به عرصه مشخص تقابل میان اردوگاه چپ با تمامی نیروهای ارتجاعی تبدیل شده است. راه مقابله با سناریوی سیاه و جلوگیری از وقوع آن بلند کردن پرچم آزادی و برابری و قرار دادن سوسیالیسم در مقابل نظم نوین جهانی است. جنبش جهانی ضد جنگ این قابلیت را دارد که به پلانتفرم و نقطه شروعی برای شکل گیری یک جنبش وسیع در برابر سرمایه و نظم نوین جهانی تبدیل شود.

در پاسخ به مساله آینده عراق پاسخ ما بطور مشخص جلوگیری از وقوع سناریوی سیاه و شکل دادن به شرایط

حزب کمونیست کارگری ایران همدردی عمیق خود را با مردم ستمدیده عراق که قربانی این جنگ بوده اند اعلام میکند و در کنار حزب کمونیست کارگری عراق، برای تحقق مطالبات حق طلبانه، آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم عراق و حکومت مشروع و آزاد و انسانی آنها از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد. حزب کمونیست کارگری ایران مردم آزادیخواه در سراسر جهان را به حمایت از حزب کمونیست کارگری عراق، محکوم کردن حکومت تحمیلی ارتجاعی آمریکا بر مردم عراق، مبارزه علیه حضور نیروهای آمریکا و انگلیس در عراق، پشتیبانی از آزادیهای سیاسی و مطالبات عادلانه و انسانی مردم این کشور و نیز به گسترش مبارزه علیه نظم نوین جهانی و توحشی که در مقابل بشر قرار داده اند، فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ آوریل ۲۰۰۳،

۲۲ فروردین ۱۳۸۲

آزاد و امن برای آشنائی مردم عراق با احزاب و سازمانهای مختلف سیاسی، شکل گرفتن تشکلهای و نهادهای مردمی، و دخالت آزادانه و آگاهانه مردم در تعیین نظام سیاسی در عراق است.

به این منظور باید در قدم اول نیروهای مهاجم به عراق از این کشور خارج شوند و جای خود را به نیروهای سازمان ملل بدهند. هم ادامه حضور نیروهای انگلیسی و آمریکائی در عراق پس از جنگ و هم رها کردن جامعه عراق بدست نیروهای مذهبی و قومی و ناسیونالیستی محلی، جنگ داخلی و همسایه کشی را در عراق دامن خواهد زد و جامعه را به تباهی خواهد کشید.

اولین گام در جهت جلوگیری از وقوع این سناریوی سیاه خروج نیروهای مهاجم و حضور نیروهای سازمان ملل در عراق است. و از نیرو و وظیفه فوری ما اتکا به جنبش جهانی ضد جنگ در جهت اعمال فشار به آمریکا و انگلیس برای خروج از عراق و سپردن امور آن کشور بدست سازمان ملل است. اما این هنوز خودبخود به معنای تضمین آزادیهای لازم برای دخالت مردم عراق در سرنوشت سیاسی خود نیست. تحقق این آزادیها تماما به فعالیت ما در سطح جهانی و

بویژه درجه نفوذ و دخالتگری چپ و مشخصا حزب کمونیست کارگری عراق در وضعیت سیاسی متغیر آن کشور گره میخورد. چپ عراق باید با تمام توان و امکانات خود به میدان بیاید، پرچم آزادی و رفاه و برابری را برافرازد و در مقابل کل اردوگاه آمریکا و ناسیونالیسم عرب و ترک و کرد و شاخه های مختلف اسلام سیاسی به نماینده و بلندگوی کارگران و مردم شریف عراق تبدیل شود. این راه و تاکتیک مشخص ما کمونیستها برای رسیدن به نظم نوین سوسیالیستی است. ■

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!